

زنده باد اول مه! زنده باد حکومت کارگری!



روز جهانی کارگر
کارگران جهان متحد شوید!

تاریخ را کسی ننوشته است. هیچ کس نمیتواند وقوع هیچ چیز در آینده را تضمین کند، اما همه ما خوب میدانیم تاریخ چگونه ساخته میشود و راه آزادی و رهایی از کدام مسیر میگذرد.

برای آزادی باید جنگید. برای پیروزی در این جنگ باید قدرت داشت. برای قدرت داشتن باید متحد بود. برای متحد بودن باید به خود و به شیوه های این نبرد و اشکال پیروزی در این جنگ اعتقاد داشت. باید برای قرار گرفتن در موضع فاتحان آماده بود و دانست که با قلع و قمع کردن مدافعان نظم کنونی چه نظمی را باید جایگزین کرد و چطور باید از پیروزی محافظت نمود.

تاریخ بارها نشان داده است که وقتی توده های وسیع محرومان و استثمار شدگان یک دل و یک صدا برای رها ساختن خود پا به میدان نبرد - نبردی همه جانبه با ستمگران و حکومتشان بگذارند هیچ نیروی نمیتواند جلودارشان باشد.

اول مه، روز جهانی کارگر راه را نشان میدهد.

جنبش دستمزدها؛ کجای کار هستیم؟

کشمکش بر سر دستمزدها از زندگی طبقه کارگر تفکیک ناپذیر است. برداشت معین و قابل تشخیصی از این کشمکش بخش مهم و تعیین کننده از خود آگاهی طبقاتی کارگری در هر مقطع زمانی است. هویت هر کارگر، چه هویت فردی و چه جمعی، جایگاهی که برای اراده و توقعات خود قائل است، افق انتظارات او از جامعه، روابط پیرامونی، ارزشها و بسیاری جلوه های شخصیتی او تحت تاثیر کشمکش کارگر بر سر دستمزدها شکل میگیرد، و از آن تاثیر میپذیرد.

جنبش دستمزدها؛ کجای کار هستیم؟

- ۳ مقدمه
- ۴ یک مثال و هنوز صورت مساله
- ۴ یکبار دیگر، کجای کار ایستاده ایم؟
- ۵ طبقه کارگر و "زنجیر" دستمزدهای معوقه
- ۵ افزایش دستمزدها و "جنبش کنترل تولید"
- ۶ دستمزدها: مبارزه ای در "زندان" جمهوری اسلامی
- ۶ جنبش برای افزایش دستمزد در ایران چگونه خواهد بود؟
- ۷ اول: اهداف جنبش دستمزد در ایران
- ۷ تامین و تقویت صف سوسیالیستی
- ۷ تامین و تقویت هم سرنوشتی و وحدت در صفوف سراسری
- ۷ دوم: شاخص ها و عرصه های متمایز کننده جنبش دستمزد
- ۷ مبارزه رفرمیستی یا رادیکال؟
- ۷ مبارزه در زمین سیاسی یا اقتصادی؟
- ۸ دستمزدها و مبارزه تعرضی و طلبکار
- ۸ دستمزدها و بسیج توده ای
- ۸ دستمزدها و دانشگاه و محیط های آکادمیک
- ۸ دستمزدها و مجمع عمومی
- ۹ دستمزدها و محلات
- ۹ دستمزدها و بیکاران
- ۹ دستمزدها و سنت های کارگری: (اضافه کاری، صندوقهای مالی،)
- ۱۰ دستمزدها و تعاونی
- ۱۰ سوم: ساختار دستمزدها، مبارزه فابریکی و سراسری
- ۱۰ افق سازمان یابی توده ای و سراسری طبقه کارگر
- ۱۱ همه راهها از شوش و هفت تپه آغاز میشود

مقدمه

است. هویت هر کارگر، چه هویت فردی و چه جمعی، جایگاهی که برای اراده و توقعات خود قائل است، افق انتظارات او از جامعه، روابط پیرامونی، ارزشها و بسیاری جلوه های شخصیتی او تحت تاثیر کشمکش کارگر بر سر دستمزدها شکل میگیرد، و از آن تاثیر میپذیرد. این کشمکش خصلتا علنی و اجتماعی است. کارگر همیشه و همه جا با مقوله شرافت کاری و بلافاصله با مقوله حق طلبی بخصوص حق طلبی جمعی شناخته شده است. دستمزدها محک برجسته حق طلبی است. کشمکش بر سر دستمزد در قالب یک جنبش تولید و بازتولید میشود، بشدت پویا است، قالب و رنگ عوض میکند، اما دائمی است. اگر سرمایه با همه قدرت و ظرفیت طبقاتی خود، چه در سطح فابریکی و چه در سطح اجتماعی، چه با ابزارهای سرکوب و قانون، با توطئه، و چه با ابزارهای آکادمیک یا فرهنگی و اخلاقی از تلاش بی وقفه از عقب راندن توقعات و سطح زندگی کارگران دست بردار نیست؛ کار کمونیستها و رهبران کارگری دامن زدن به یک جنبش دستمزد است که تمام نیروی طبقاتی را بسیج کند، در این مبارزه استمرار و پیوستگی را تضمین نماید، افت و خیزها را، دشواریهای امروز را به فردای امید بخش متصل نگه دارد ... و همه اینها در گرو دامن زدن و شکل دادن به یک آگاهی جمعی است: "از دستمزدها چه خبر؟ کجا ایستاده ایم، کجا داریم میرویم و چگونه؟".

سوابق مبارزه کارگری در ایران، همچنین خاطره و تجربه یک انقلاب با رگه های تند کارگری، بورژوازی در ایران را وادار ساخته است که در زمینه دستمزدها دست پیش بگیرد. سناریوی سالانه شورای عالی کار با تشریفات مسخره، با رنگ و روی رسوای حکومتی، در عین حال به یک نیاز عینی پاسخ میدهد، ریشه در واقعیات عینی دارد، باز تولید میشود و ماندگار است. "مذاکرات" سالانه شورای عالی کار و با شرکت "نمایندگان کارگران" آن راهی است که دستمزد کارگران در ایران را رقم میزند. مولفه های متعددی از این پروسه مورد مخالفت جدی کارگران است. مقاومت در مقابل این سناریو زیاد است، اما کماکان همین چهارچوب مبارزه بر سر دستمزد در ایران را تشکیل میدهد. این سناریو مداوما طبقه کارگر را عقب میکشد، پراکندگی میافریند، از درون فاسد میسازد.

مبارزه بر سر دستمزدها در قالب مذاکرات سالانه شورای عالی کار



مختصات جنبش کارگری در عرصه دستمزدها، یا شاید بتوان آنرا مختصرا جنبش دستمزدها نامید، چیست؟

این تفکیک و مرزبندی، و انتظار شناخت مختصات، شاید برای یک جنبش که در موضع دفاعی و در مقابل سرکوب گسترده و سازمان یافته راه به جلو باز میکند، تا حدی "غیر منصفانه" بنظر برسد. پر واضح است که مطالبات و خواستها در تنگنای دشواری های متعدد در هم میجوشند و در مقابل فشارهای امنیتی دائما قالب عوض میکند. بعلاوه اخبار منتشر شده قابل اطمینان نیست، و نباید دست کم گرفت که کل اعتراض و مبارزه مدنظر خواه نا خواه از فیلتر مسموم خانه کارگر نیز گذشته و در نتیجه گمراه کننده باشند.

اما کماکان میتوان و مهم است که از جنبش کارگری سخن گفت و روی مختصات آن در زمینه دستمزدها مکث کرد. در تاریخ معاصر و در مقابله با جمهوری اسلامی، در شرایط بسیار دشوارتر پلیسی دوره های مبارزاتی معین و با شاخص های قابل قبول را میتوان سراغ گرفت. مقابله با قانون کار در دهه شصت یک مثال گویاست. طرد شوراهای اسلامی در (حدوداً) دهه هفتاد گویاتر است. کمتر روایتی از تاریخ معاصر جنبش کارگری را بدون اشاره به این دو دوره میتوان یافت. همه روایت ها از خودآگاهی حاصل از مبارزات دوره های مزبور نوشته اند.

تاکید نوشته بر این است که، دستمزدها و جنبشی برای افزایش آن با ریشه در گرایش دائمی و ذاتی سرمایه در کاهش هزینه نیروی کار یک شاخص مهم و اجتناب ناپذیر در ترسیم موقعیت طبقه کارگر، و متعاقبا، جبهه های اصلی نبرد و چگونگی پیشروی در مقابل بورژوازی است. سرمایه در ایران با تعلق به کشورهای تولید "کار ارزان" و بخصوص امروز در رقابت با کشورهای کامبوج، ویتنام، هند و بنگلادش موقعیت بسیار دشواری را در مقابل معیشت و دستمزد طبقه کارگر قرار داده است.

کشمکش بر سر دستمزدها از زندگی طبقه کارگر تفکیک ناپذیر است. برداشت معین و قابل تشخیصی از این کشمکش بخش مهم و تعیین کننده از خود آگاهی طبقاتی کارگری در هر مقطع زمانی

بگذار عالم و آدم بدانند... کشمکش دستمزدها در ایران پایان نیافته است. بگذار عالم و آدم بدانند
طبقه کارگر در ایران آقا بالاسر، نماینده قلابی و دایه خود گمارده نمیخواهد. بگذار عالم و آدم
بدانند کارگران در ایران در نبرد دستمزدها در دفاع از زندگی شایسته، از حرمت و شرافت انسانی خود
کوتاه نمی آیند.

جلوتر رفته و بزودی فصلی بنام "جنبش قانون کار" در تاریخ مبارزاتی طبقه کارگر زیر پای خود را سفت کرد.

تفاوتها در تمام سطوح میان جنبش کارگری امروز و سی سال پیش بسیار است، تعادل قوا و ستیزه جویی، رواج اعتصاب و تجمع، وجود تشکل ها و چهره های خوش نام و آبدیده، سهولت دسترسی و همکاری فی مابین رهبران کارگری از طریق اینترنت و خارج کشور، امکان دسترسی توده کارگر به رهبران و ارگانهای رهبری خود و غیره، شرایط مبارزاتی را فرسنگها به جلو رانده است.

به موضوع دستمزدها بازگردیم. آیا نمیتوان انتظار داشت در زمینه دستمزدها نیز قالب شورای عالی کار جمهوری اسلامی، زمینه ساز شکل گیری یک جنبش دستمزد اصیل کارگری شود؟ آیا نمیتوان انتظار داشت کارگر "خر خود را براند"؟ در ادامه نوشته این سرنخ را تعقیب میکنیم که سالهاست که بخش بزرگی از "خانواده" جنبش کارگری با بیانیه ها و محاسبات خود بطور موازی با شورای عالی کار از پهلوی نقشه خود را تعقیب میکنند، در سطوح مختلف و باندازه وسع خود در فشار به شورای عالی کار نقش ایفا نمایند. طبقه کارگر شرایط عینی مبارزه را انتخاب نمیکند، هنر اصلی او در تشخیص بهترین راه در تغییر این شرایط است. شرایط عینی و راه تغییر آن در زمینه دستمزدها صورت مساله این نوشته را تشکیل میدهد.

یکبار دیگر، کجای کار ایستاده ایم؟

سال 1399 با تعرض به دستمزدهای کارگران در ایران آغاز شد. مصوبه شورای عالی کار سطح دستمزد پایه را رسماً پایین تر از سطح تورم و خط فقر بانک مرکزی رقم زد. به این ترتیب حتی از نمایش مذاکرات و تشریفات فریبکارانه جهت اجرای قانون نیز چشم پوشی گردید. آتش بقدری شور بود که صدای اعتراض خانه کارگر و بخشی از مجلس و دولت هم درآمد.

این رقم با احتساب تورم عملاً و رسماً کاهش دستمزد، و با احتساب خط فقر یک تعرض آشکار به دستمزد و حمله به معیشت

انتخاب طبقه کارگر نبود. از طرف بورژوازی و حکومت آن دست و پا شد و به طبقه کارگر تحمیل شده است. آیا میتوان از شکل گیری یک جنبش دستمزد کارگری در مقابل آن، و یا کلاً تحت تاثیر آن سخن گفت؟

این نوشته کنکاش در مبارزه طبقه کارگر در عرصه دستمزدها را در دستور دارد و حرف حساب آن در این خلاصه میشود که جنبش کارگری در ایران "زمین بازی"، شرایط و قواعد بازی و داوری را یکجا از بورژوازی (و نه فقط جمهوری اسلامی) پذیرفته است. تلاش برای برجسته کردن سرنخ هایی در مبارزات جاری در جهت باز تعریف یک جنبش روشن و خود آگاه بر سر دستمزد هدف نوشته را تشکیل میدهد. این بحث ایجاد تشکیلات توده ای کارگری در سطح فابریکی و بخصوص در سطح سراسری را در خود نهفته دارد و بر این عقیده استوار است که دیدگاه و سیر یکسر متفاوتی را به بحث میگذارد. خیلی خلاصه، این مبارزه بر سر دستمزدها است که با همه دینامیسم و ضرورت خود، میتواند بصورت لوکوموتیو جنبش کارگری در زمینه تشکل یابی توده ای و سراسری راه به جلو باز کند.

یک مثال و هنوز صورت مساله

کشمکش بر سر قانون کار در دهه 1360 مثال بسیار گویا است. در دل شدیدترین موج سرکوب، زمانی که جمهوری اسلامی ابتکار عمل طرح و پا دادن به بحث قانون کار را در سطح سراسری در محافل و رسانه ها در دستور قرار داد، فعالین کارگری چپ فرصت را "فاپیدند". یک فرصت استثنایی بسیار مغتنم برای سطوح مختلف مبارزه کارگری فراهم آمد. کارگران پیشرو مجال فعالیت یافتند، انواع ابتکارات برای اعتراض و فعالیت مشترک میان کارگران واحدها و بخصوص تحرکات فرا فابریکی شکوفا شد. از همه مهمتر زمینه اتحاد گرایشهای مختلف بطور جدی جان گرفت. نباید فراموش کرد که عرصه قانون کار برای بسیاری از فعالین کارگری تازگی داشت. خود موضوع، ضرورت آن و اشتیاق کارگری موتور محرک تجمع و همکاری ها گردید و راه خود را به جلو باز میکرد. این حرکت هر چه



کارگر برای تامین معاش خود مجبور است به کار مزدی و استثمار تن بدهد. این بدیهی بنظر میرسد. از نظریات انتقادی مارکس در شناساندن کارکرد سرمایه، بعلاوه به همان درجه بدیهی اینست که هر چه کارگر بیشتر تن بکار میدهد حکومت سرمایه همچون يك هیولای وحشی بر حیات و مقدرات زندگی او چنگ میاندازد. هیولای سرمایه با همه ادعا و دامنه و قدرت تباهی نهفته در مصوبه دستمزد سال ۹۹ براستی ترسناک و مهیب است.

برهاند. همانقدر که واحدهای بحران زده واقعی است، عکس آن برعکس صادق تر است. فضای ضد رژیمی اپوزسیون راست بورژوازی و برداشت "آخوندهای دزد نفهم بر اداره مملکت" ابعاد واقعی استثمار و بهره کشی بورژوازی را از چشم کارگران پنهان میکند، و بعلاوه، مهمتر آنکه بخش بزرگتر، مهم و موثر طبقه کارگر در اقتصاد ایران را از هر گونه توقع و انتظار برای ایفای نقش در راه منافع خود و سایر هم طبقه ای های خود در عرصه دستمزدها "معاف" میکند؛ و یا این نقش را به حاشیه میبرد. غیر قابل تصور است چگونه قطبهای صنعتی ایران در بحبوحه وسیع ترین تشنجات طبقاتی، نا فعال مانده و به نقش دردناک حاشیه خود تن داده اند.

مبارزه برای دستمزدهای معوقه حیاتی و اجتناب ناپذیر است. با اراده کسی نه در دستور قرار میگیرد، و نه با اراده کسی از دستور خارج میشود. این مبارزات باید پیروز شود و تنها راه پیروزی در آن اتحاد کارگری همان واحد و حمایت فعال گسترده محلی و سراسری است. اما همزمان، حتی برای بیشترین کمک برای پیروزی در موارد دستمزدهای معوقه هم که شده، باید تفکیک "جنبش دستمزدها" را رسمیت بخشید و جا انداخت. کارگران واحدهای سود ده و موثر در صورت وجود یک تحرک حول دستمزدها مسلماً از زمینه و امکان بسیار بیشتری در همبستگی با هم سرنوشتان خویش در مقابله با حق کشی آشکار دستمزدهای معوقه برخوردار خواهند بود.

هیچ چیز بر حق تر از طنین مبارزه علیه دستمزدهای عقب افتاده در دل یک جنبش برای دستمزدها نیست؛ جنبشی که در همه لحظات خود سنگ بخش همکاران خود علیه دزدان دستمزد را به سینه نزند، ربطی به کارگر ندارد؛ اما همزمان تقابل جنبش افزایش دستمزد به بیرون کشیدن دستمزد از گلوی کارفرمای کلاش از موضوع اصلی فرسنگها فاصله دارد، موضوع بحث جنبشی تعرضی برای افزایش دستمزدها است.

افزایش دستمزدها و "جنبش کنترل تولید"

تا همین جا باید روشن شده باشد و تاکید بر آن در ادامه موضوع ضروری است که این نوشته دستمزدها را در قالب یک جنبش مطالباتی و در کانتکست سوسیالیستی و نه رفرمیستی آن مد نظر دارد. استدلال علیه مواضع کنترل تولید امر این نوشته نیست.



قریب به 40 میلیون عضو خانواده کارگری در ایران است. هیچ کس، از مقامات و سخنگویان دولتی منکر پیامدهای مخرب و ویرانگر آیین مصوبه بر زندگی مردم زحمتکش آن جامعه نیست. در بطن نارضایتی از دستمزدهای بشدت نازل و ناکافی چند بیانیه و از جمله از طرف سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه پرچم مطالبه دستمزدی معادل سه برابر سطح مصوبه شورای عالی کار را برافراشت. بیانیه های مشابه و بطور موازی چه در سال جاری و چه در سالهای قبل کم نبوده اند. هیچ چیز نمیتواند ارزش و جایگاه این اقدامات بکاهد، همزمان هیچ درجه از احترام به یک بیانیه نمیتواند باندازه تبدیل آن به یک پرچم چاره جویی و در بکارگیری آن در مبارزه عملی، ملموس و واقعی و موثر قلمداد گردد.

از یک بیانیه کارگری انتظار میرود پرچمی را در مقابل ارقام دولتی بلند کند. میخ توقعات واقعی کارگری را بکوبد. اما یک بیانیه برای نزدیک شدن به واقعیت باید بتواند نیرو جمع کند، باید در راه و روشهای مبارزاتی دندان پیدا کند تا در عمل بترساند، گاز بگیرد و راه به جلو باز کند. در عین حال بیانیه مد نظر ما نه بر زمین بکر بلکه بر روی زمین آماده و شخم زده است که جان میگیرد. ارتش طبقه کارگر در مصاف دستمزدها نمیتواند در حال آماده باش در خیابانها بسر ببرد، اما سنت های شناخته شده و قوی، روشهای امتحان پس داده است که سنبه پر زور لابلای سطور بیانیه ها را به نیروی واقعی تبدیل میکند.

قطعه نامه های آلترناتیو از یک اعلام موضع فراتر نرفته، قصد دامن زدن به تحرک را نیز در خود ندارد. در این روند، هر ساله و امسال نیز، طبقه کارگر در ایران، از انگیزه، قطب نما و خون لازم برای بسیج پیکر مبارزاتی خود در گرداب دستمزدها کم می آورد. این روند دور باطل است که هیچ راهی برای خلاصی در افق خود نشان نمیدهد. این اعتراض علیه دستمزدها هست، اما نشانی از جنبشی برای تغییر دستمزدها ندارد، پلاتفرمی برای تغییر و قدمی در استحکام سنت های مبارزاتی در این راه نیست. در ادامه خواهیم دید که در این میان قبل از هر چیز مشکل آنجاست که ظرفیت های مبارزاتی کارگران بکار گرفته نمیشود.

طبقه کارگر و "زنجر" دستمزدهای معوقه

طبقه کارگر در ایران باید خود را از زنجر دستمزدهای معوقه

تورم و اشتغال کدام نفرین و از کدام آسمان بر سر این مردمان نازل شد، که هر چه بیشتر کار میکنند، تیره بخت تر میشوند؛ این چه زندگی است که جز محرومیت و لبه پرتگاه راه نجاتی ندارد؟ بازار و سود و انگیزه سرمایه قدیسین کدام جهنم در رفته ای هستند که هیچ چیز سیرشان نمیکند، همیشه طلبکارند و دو قورت و نیمشان باقی است؟

ششم، علاوه بر رسانه ها، خود دولت با ارگانهای دولتی مثل بانک ها و موسسات مالی و یا اتوریتته های دانشگاهی حجم عظیمی از پروپاگاندا را علیه خواست های کارگران برپا میکنند. باید این مجاری و این سم پراکنی ها خنثی بشوند.

آیا این شرایط دست یافتنی است؟ با توصیف این شرایط، میتوان انتظار داشت روزی از روزها دستمزدها معادل تورم و معادل نیازهای واقعی یک خانواده کارگری مورد تصویب قرار بگیرد؟

نیازی به شواهد و نیازی به تجربه بیشتر نیست که بتوان به هر کارگر و به هر فرد، هر چقدر خوش باور، قبولاند که پروسه تعیین دستمزد پایه در ایران یک نمایش ضد کارگری و بخشی از یک سیاست سرکوب کارگری است. اما بلافاصله با این سوال مواجه میشویم که آیا آلترناتیوی در مقابل آن میتوان سراغ گرفت؟

جنبش برای افزایش دستمزد در ایران چگونه خواهد بود؟

جواب روشنی برای این سوال و رو به آینده وجود ندارد، جواب حاضر و آماده ای برای آن نمیتواند وجود داشته باشد. همانطور که در مورد خصوصیات نوزادی که هنوز بدنیا نیامده بسختی میتوان اظهار نظر نمود. آیا چهارچوب جاری مذاکرات سالانه سه جانبه را پذیرفته و ادامه خواهد داد؟ ابزار بسیج و اشکال ابراز وجود این جنبش چگونه خواهد بود، آیا نمایندگان منتخب از طریق نوعی انتخابات، یا از طریق توکل و اعتماد به تشکل های معین کارگری موجود تعیین خواهند شد؟

جوابی برای این سوالات نیست و راستش ضروری هم نیست. یک جنبش و مبارزه اجتماعی توسط انسانهای زنده و متأثر از شرایط اجتماعی شکل میگیرد، نحوه واکنش جمهوری اسلامی به چم و خم های آن تاثیر تعیین کننده خواهد داشت، از روابط خارجی، از قیمت نفت، از محاصره اقتصادی امریکا، از وضعیت خاورمیانه و تکلیف سیاست سرمایه گذاری غرب در ایران تاثیر میپذیرد. تحولات درونی جمهوری اسلامی و چشم اندازهای تحولات منطقه ای، و نضج آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی در ایران مستقیماً تعیین کننده است. بدون تردید در هر صورت اعتراضات و کشمکش های کارگری صحنه سیاست ایران را ترک نخواهد کرد. و برای اینکه این اعتراضات



همین قدر اشاره لازم است که بخصوص در مواجهه با واحدهای بحران زده و مبارزات دستمزدهای عقب افتاده شعارهای "لغو خصوصی سازی" و "کنترل کارگران"، موضوع دستمزدها لاینحل مانده و به عقب انداخته میشود، همانطور که اشاره شد، از موضوع بحث نوشته خارج است.

دستمزدها: مبارزه ای در "زندان" جمهوری اسلامی

با کمی فاصله و در یک نگاه ساده تصویر بزرگ و ماکرو از آنچه "مبارزه بر سر تعیین دستمزدها در ایران" نامیده میشود، مایه حیرت میگردد. زمین بازی و قواعد بازی، تعریف پیروزی، همگی طبق امیال و منافع بورژوازی چیده شده است. این بخودی خود، بعد از چهل سال کشمکش بی وقفه خونین طبقاتی و بخصوص در زمینه محوری دستمزدها مایه تعجب و سراسیمگی است.

در پایه ای ترین سطح، سناریوی مذاکرات شورای عالی کار و تعیین دستمزد سالانه باید تغییر یابد، دگرگون گردد. آنچه هست یک نسخه کمدی از ساختار مورد نظر پلاتفرم کارگری تعیین دستمزدها است.

اول، نمایندگی کارگران باید توسط انتخاب آزادانه مستقیم خود کارگران صورت گیرد.

دوم، پروسه مذاکرات باید توسط ارگانها و تشکیلات مستقل کارگری قابل بازرسی و نظارت باشد.

سوم، این مذاکرات باید علنی و در دسترس همگانی پیش برود، تا امکان هرگونه تطمیع و یا ترساندن و توطئه علیه نمایندگان به حداقل برسد.

چهارم، توده کارگر باید بتواند با حق اعتصاب و تجمع با حق نظارت مستقیم اعمال اراده کنند.

پنجم، شرکت دولت بعنوان طرف سوم در مذاکرات باید لغو گردد. در وضعیت فعلی دولت در هیئت یک رای اضافه برای طرف کارفرما، بعنوان اتوریتته تعیین نرخ تورم و معیار معیشت، و در مقام اتوریتته برتر در چگونگی برگزاری جلسات و تعیین حرف آخر نقش بزرگی را به خود اختصاص داده است.

طبقه سرمایه دار در ایران با مصوبه دستمزدها سال ۱۳۹۹ را با یک موضع تعرضی علیه طبقه کارگر آغاز میکند. مصوبه دستمزدها با آن معیارهای دروغین محاسبه تورم و مخارج پایه زندگی، با ترکیب و تشریفات رسوا و ننگین هرگز مرجع تعیین عادلانه دستمزدها متکی بر نمایندگی خواست و اراده طبقه کارگر نبوده است. فلسفه وجودی این مرجع همواره در همکاری نزدیک با ارگانهای سرکوب در سردواندن و تفرقه کارگران خلاصه شده است.

ندارد جز اینکه پایه های نظام سرمایه داری را هدف قرار دهد.

تامین و تقویت هم سرنوشتی و وحدت در صفوف سراسری

مبارزه بر سر دستمزدها کشمکش بسیار گسترده و در تعداد بیشمار و متنوعی از نبردهای فردی، در کارخانه و در سطح سراسری؛ جریان دارد. مبارزه بر سر دستمزدها در دسترس ترین میدان اعتراض و بسیج کارگران است و در عین حال براحتی میتواند عامل شکاف و تردید و بدبینی میان صف کارگران گردد. جنبش دستمزد در هر قدم از وحدت کارگران تغذیه میکند، از وحدت کارگران نفس میکشد، فلسفه وجودی و حکمت آن تلاش بی وقفه در راه همبستگی کارگری، اعتبار میگیرد.

دوم: شاخص ها و عرصه های متمایز کننده جنبش دستمزد

مبارزه رفرمیستی یا رادیکال؟

به طریق اولی جنبش دستمزد در ایران یک مبارزه رادیکال و انقلابی است. صندلی "رفرمیسم" از قبل و با تمام ظرفیت در اشغال خانه کارگر است. سرمایه در ایران در ساختار نیروی کار ارزان هیچ وقت میدان مانور اصلاحات نبوده است. قانون و مناسبات کار و تولید بر نفی امکان دخالت و تغییر بر اساس رای و اراده و منافع کارگران استوار است. این الزاما به معنای قانونمندی "همه یا هیچ" نیست، آلترناتیو سازش و عقب نشینی را رد نمیکند. این تاکید بر این واقعیت است که هر گونه اصلاحات در گرو فشار و مبارزه، مستلزم افق و توقعات بالا است، باید بورژوازی را به مرگ گرفت تا به تب راضی شود.

در یک بیان زمینی امید به آلترناتیو شورای عالی کار، تنها شرط بندی روی شارلاتانها است. چند درصد بالاتر و یا امید بستن به "هر ذره بهبود خود غنیمتی است" از خود فریبی آشکار فراتر نمیرود.

مبارزه در زمین سیاسی یا اقتصادی؟

مبارزه بر سر دستمزدها و بویژه در قالب یک جنبش از مبارزات بهم پیوسته، قطعا یک مبارزه سیاسی است. ربطی به کارگران ندارد، از طرف دولت سیاسی شده است. عدم پرداخت

بصورت یک جنبش قدرتمند وجود داشته باشد و به پیروزی برسد، تکیه به سه محور اصلی غیر قابل اجتناب است.

اول: اهداف جنبش دستمزد در ایران

ایران جامعه ای کاپیتالیستی تمام عیار و درگیر کشمکشهای طبقاتی حاد است. بحران اقتصادی، شکاف و جدالهای عمیق در بالا، تنش های منطقه ای، تداوم بحران اقتصادی جهانی و منطقه ای، گره کور سرمایه گذاری خارجی و محاصره اقتصادی، و موارد حاد متعدد دیگر دامنگیر طبقه کارگر، زندگی و طبعا بیش از هر چیز دامنگیر مبارزات کارگری نیز هست. طبقه کارگر در ایران در مقابل یک حکومت سرکوبگر هار و در عین حال در مقابل موجی از جریانات فکری و سیاسی دست راستی راه خود را بجلو باز میکند. حق طلبی کارگری نه فقط بیحقوقی و تباهی و فقر بلکه در عین حال آراء نئولیبرالی، ناسیونالیستی و "باز سازی ایران آزاد و آباد بر گرده کارگر مطیع و کارکن" را نیز در مقابل خود دارد.

اهداف و مضمون جنبش دستمزدها را در موارد زیر میتوان بطور خلاصه بیان کرد:

تامین زندگی شایسته برای خانواده کارگری

ایران جهنم دستمزدها است. دستمزدهای ناچیز و ناکافی و پیامدهای توأم با فقر و فلاکت عمومی در ابعادی هراسناک حیات یک طبقه متشکل از چهل میلیون نفر را در پرتگاه نیستی قرار داده است. یک جنبش قدرتمند دستمزدها یک ضرورت حیاتی و فوری برای نجات نسلی است که در فلاکت و تحقیر با تباهی دست و پنجه نرم میکند.

تامین و تقویت صف سوسیالیستی

مبارزه برای دستمزدها جز با حمله به پایه های نظام سرمایه داری ممکن نیست. مبارزه برای دستمزد نمیتواند همزمان به مصالح و منافع سرمایه متعهد باشد. دستمزدها شاهرگ حیات نظام سرمایه داری و موثرترین اسلحه آن در خنثی کردن دستاوردهای دوره ای کارگران است. مبارزه بر سر دستمزدها چاره ای



اشتباه بزرگی است اگر مصوبه شورای عالی کار را دست کم گرفت. دامنه و عمق تاثیرات عملی این مصوبه در زندگی طبقه کارگر غیر قابل چشم پوشی است. اگر کارمزدی شاهرگ نظام و استثمار سرمایه باشد، آنوقت دستمزدها کمتر از پلاتفرم عملی اعمال و تجلی این استثمار در گوشه و کنار ساختار جامعه نخواهد بود. دستمزدها برای کارگر تمام مقدرات زندگی، گذران امروز و فردا، سهم

اشباع نمود.

دستمزدها و بسیج توده ای

دستمزد کارگران یک پدیده مهم اقتصادی و سیاسی مهم جامعه است. بخش مهمی از بودجه، قدرت خرید، کیفیت محصولات، موازنه ای در سطح تورم، اقتصاد ملی، سلامتی عمومی و بسیاری مفاد مهم جامعه را رقم میزند. در پی دستمزدهای پایین بلافاصله چهره محلات حاشیه نشین، کودکان کار در چهار راهها، دست فروشی، میزان اضافه کاری و بسیاری مسائل اجتماعی بطور مستقیم تاثیر میپذیرند. دستمزدها فقط امر کارگران نیست، دستمزدها یک پدیده بزرگ اجتماعی است. اما در سطوح مختلف اجتماع در مدارس در گذر و در شهر از حمایت کارگران خبری نیست!

دستمزدها و دانشگاه و محیط های آکادمیک

دانشگاه ها و دانشجویان یکی از مهمترین و گرمترین محیط های نبرد بر سر دستمزدها است. برای بورژوازی این فصل فرصتی است که افکار عمومی را با زبان پر نفوذ جوانان و اتوریته های آکادمیک مسموم کند، نسبت به کارگر و جنب و جوش آن بدبین و یا بی تفاوت نماید.

دانشگاهها دارای سوابق درخشانی در دفاع از مبارزات کارگری هستند، چپ و حق طلبی در محیط های دانشجویی همیشه دست بالا داشته است. جا دارد، انتظار میرود و ضروری است که جنبش دستمزد کارگری در محیط های دانشجویی ریشه بزند، سخنگویان سیاستهای دست راستی و بورژوایی را رسوا کند، باد به بیرق حق طلبی کارگری بیاندازد، رهبران و اتوریته ها و مواضع کارگری را بشناساند؛ و موتور محرکه یک فستیوال مبارزاتی کارگری و بخش تفکیک ناپذیری از جنبش دستمزدها عمل کند ...

دستمزدها و مجمع عمومی

یک جنبش قدرتمند دستمزدها باید بتواند به بسیج و دخالت فعال توده وسیع کارگری متکی باشد. مجمع عمومی کارگران شناخته شده ترین و بهترین ابزار این کار است. تاکید بر مجمع عمومی بخاطر امکان دخالت هر کارگر در هیئت یک فرد، یک موضع، یک اراده، یک تصمیم و نه فقط در هیئت یک رای در جمع

مزد در ایران عملاً قانونی است و در عوض مطالبه دستمزد، تا چه برسد مبارزه برای افزایش آن مترادف سنگین ترین مجازات قانونی به حساب میاید. تبلیغ و اراده و اقدام برای افزایش دستمزد به معنای لغو قانون کار، اختلال در تولید و مغایر مالکیت و منافع کارفرما و مستوجب مجازات است... در این مناسبات به میان کشیدن مرزهای اقتصادی و سیاسی درباره مبارزات کارگری مسخره است. "خواست ما صنفی است" یک دام رندانه از جانب دولت برای خود سانسوری و نزول انتظارات و مطالبات صف اعتراض کارگری است. در حالیکه خود دولت ساده ترین اعتراضات اقتصادی کارگری را در هم میکوبد، شرط و شروط و بهانه گیری علیه کارگران و اعتراض آنها تمام شدنی نیست.

دستمزدها و مبارزه تعرضی و طلبکار

مبارزه بر سر دستمزدها در قالب فعلی، با تصویر کارگر بی پناه و مظلوم نمیخواهد و نمیتواند سنگر منافع کارگران باشد. سال پس از سال، فصل دستمزدها میدان گستاخی و نمایش حق بجانبی و طلبکاری کارفرمایان بوده است که اراده و منافع خود را به برخ جامعه بکشند، سود جویی خود را عین منافع جامعه مشروع و بر حق جلوه دهند، از قانون و بودجه عمومی باجگیری کنند... فصل دستمزدها در قالب فعلی، در غباب حق طلبی کارگری در واقع روز جشن و تثبیت منافع کارفرمایان است. اینرا باید از بنیاد عوض کرد.

یک جا و در یک تاریخ معین باید این ورق برگردد. فصل دستمزد باید مثل مور و ملخ عناصر، شخصیت ها و فعالین کارگری، از بخش های مختلف و صنایع کلیدی را جلوی صحنه براند تا از نقش و ارزش و نقشه خود بگویند. به اعتبار سایت ایلنا چند موجب بگیر خانه کارگر به سخنگویان و متخصص های امور کارگری ایران جا زده شده اند. صنایع و معادن و تولیدات از زبان کارمند وزارت کار و صنایع و معادن شناخته میشوند، اما پتروشیمی ها و نفت، از فولاد و ذوب آهن و غیره جز در عکس های سوانح کار، با چهره کارگری خود شناخته نمیشوند.

جامعه را باید با سخنگویان کارگری که به پشتوانه تجربه مستقیم روزانه خود از روندها و سیاستهای تولیدی و اقتصادی حرف میزنند، بدیل ارائه میدهند، و دولت و کارفرما را چلنج میکنند،



مهم است که مصوبه دستمزدها به بحث گذاشته شود و پس از استماع نظر کارگران مصوبه به رای گذاشته شود. صورت جلسه باید علنی باشد، دز اختیار عام قرار بگیرد و يك نسخه آن برای شورای عالی کار ارسال شود. در قدم اول میتوان فقط به يك رای گیری ساده بسنده کرد، مساله مهم برگزاری مجمع با شرکت حداالامكان همه کارگران واحد مربوط است. در قدم بعدی میتوان با اختصاص وقت کافی به بحث گذاشت که کارگران میخواهند با مصوبه چه کار کنند

و تماماً زندگی و سرنوشت صغیر و کبیر خانواده کارگری را تحت تاثیر قرار میدهد. همسر و کودکان خانواده کارگری طرف حساب مستقیم این کشمکش هستند. از طرف دولت و کارفرما اعضای خانواده در هیبت "نان خور" و عاملی که "کارگر باید حواسش باشد تا به کم قانع شود"، عاملی دال بر مظلومیت، "خجالت در تامین نان" حضور فعالی دارد. اما در عین حال سد سکندر خانواده کارگری را از فضای اعتراض دستمزدها جدا میکند. این فاصله دردناک و غیر قابل قبول است. بخش مهم این تفکیک از آنجا آب میخورد که خود کارگران بر متن فقدان یک جنبش کارگری دستمزدها، برای دخالت خانواده ها اشتها، برنامه، نقشه عمل و سنت ندارد.

محلات با انواع مجامع عمومی، ابتکارات اعتراضی میتواند جبهه بسیار قوی در مبارزه بر سر دستمزدها باز کند.

دستمزدها و بیکاران

بهم پیوستگی مساله دستمزدها و پدیده بیکاری غیر قابل انکار است. تهدید اخراج و بیکارسازیها یک آن کشمکش دستمزدها و بعنوان عاملی در تخطئه مطالبات کارگری را ترک نمیکند. جلب دخالت فعال کارگران بیکار در حمایت از جنبش دستمزد از دشوارترین تکالیف در بسیج و تضمین اتحاد طبقاتی کارگری است. مهمتر از آن پیدا کردن بالانس میان افزایش دستمزد در عین تضمین حفظ اشتغال همه کارگران است. در سالهای اخیر حفظ اشتغال و جلوگیری از اخراجهای احتمالی از فاکتورهای تعیین کننده در توافقات دستمزدی توسط اتحادیه های کارگری جهان نقش مهمی را ایفا کرده است. الگوی مشخصی را نمیتوان بدست داد، ولی یک چیز آشکار است، در نبود این اتحاد طبقاتی، مذاکرات دستمزدها فقط برای شاغلین به نتایج بمراتب بدتری منجر میگردد.

دستمزدها و سنت های کارگری: (اضافه کاری، صندوقهای مالی،)

جنبش دستمزدها مستلزم یک صف اعتراضی زنده و آماده و آگاه است. این آمادگی و رزمندگی برای کارفرمایان، و قبل از آن برای خود کارگران باید ملموس و مادی باشد. عرصه های متعدد را میتوان در تجربه مبارزات جهانی طبقه کارگر سراغ گرفت.

همکاران است. مهم است که سطوح مختلف مسایل مربوط به دستمزدها، سیر تا پیاپی کشمکش ها در اشکال گوناگونی از مجامع عمومی به بحث گذاشته شود، نظر رفقای کارگر با حوصله مجال طرح پیدا کند و ثبت شود. پس از استماع نظر کارگران تصمیمات به رای گذاشته شود. صورت جلسه باید علنی باشد، در اختیار عام قرار بگیرد. این ضرورت در مورد محلات کارگری، محافل و تشکل و سازمانهای کارگری نیز صدق میکند.

برای یک کارگر، برای کارگران یک واحد، هیچ چیز موجه تر از کنجکاو، خبر رسانی، پرس و جو، اظهار نظر و دخالت در مساله دستمزد نیست. کلی از ارگانهای دولتی و رسانه ها به آن مشغول هستند، تا آنجا که به کارگران مربوط باشد، کاسه ای زیر نیم کاسه نیست، ترجیحا، و چه بسا با اصرار و سلام و صلوات یقه مقامات و ارگانها را برای شرکت در مجامع عمومی میتوان گرفت.

مساله مهم برگزاری مجمع با شرکت حداالامکان همه کارگران واحد مربوط است. مهم است بحث گذاشت که کارگران میخواهند در هر قدم از مبارزه چه کار کنند. و مساله مهمتر اینست که از هیچ کارگری و از هیچ واحد تولیدی و از هیچ جمع کارگری نپذیرفت بی خبر و بی موضع با چراغ خاموش از کنار این حرکت عمومی بگذرد. کارگران یک واحد میتوانند هر نظری داشته باشند، مجمع عمومی آنها میتواند کمتر یا بیشتر شجاعانه و با محافظه کارانه باشد؛ اما باید کاری کرد کناره گیری و لطمه به منافع عمومی طبقه در چشم همه مغایر با غیرت کارگری، غیر قابل قبول و ناپسند بنظر بیاید.

این اقدام میتواند بمثابة یکی از سنت های جنبش دستمزد طبقه کارگر ایران مرسوم و جدی گرفته شود. زیبایی "سنت" در مکانیسم کارکرد و گسترش آن است، سنت ها در عمل قدرت پیدا میکنند، فرد و قدمهای عملی هر فرد نقش اصلی را ایفا میکند در همان حال که هویت و تعلق جمعی شاخص موفقیت آن است.

دستمزدها و محلات

باید از طرف کارگران دخالت فعال اعضای خانواده های کارگری را به کشمکش دستمزدها تامین کرد. دستمزدها مستقما



دست بکار شویم. در کارخانجات، در محیط های کار، در محلات، در جمع های کوچک و بزرگ مجمع عمومی خود را تشکیل دهیم و به يك سوال پاسخ دهیم: تکلیف ما با مصوبه جهنمی دستمزد دشمنان کارگر و شورای عالی کارشان چیست؟ بگذار عالم و آدم بدانند ... کارگران با مصوبه دولت چه میخواهند بکنند.

برای مثال:

در ایام مذاکرات، اضافه کاری از طرف کارگران قطع میشود.

صندوقهای مالی کارگری و صندوقهای مالی حمایت از اعتصابیون جان تازه پیدا میکند.

انواع پاتوق ها برای صرف چای و یا هر بهانه دیگری جهت ارتباط نزدیک میان کارگران و حتی خانواده ها بر پا میشود.

شکل گیری انواع کلاسها برای آشنایی با قانون و مفاهیم اقتصادی، وضعیت تولیدات و دخل و خرج مملکت و بسیاری موارد دیگر که در روزهای دیگر فرصت پرداختن به آنها نیست.

و ...

دستمزدها و تعاونی

یک جنبش قوی دستمزدها بدون پایه های قوی اقتصادی برای کارگران عضو خود، به سختی قابل تصور است. در ایران اتحادیه های کارگری از هر گونه تعرض بورژوازی و از جمله از مصادره امکانات مالی مصون نیست. اگر جنبش دستمزدها را در مذاکرات با طرفین کارفرما و دولت خلاصه نکنیم، تعاونی ها بهترین و در دسترس ترین آلترناتیو برای همبستگی و تقویت مالی کارگران است. در مورد تعاونی های کارگری جداگانه نوشته شده است. اما یادآوری تفکیک فعالیتها و کمکهای خیراندیشانه بسیار ضروری است. هدف از تعاونی ها سازمان یابی خود کارگران، ایفای نقش فعال و چرخاندن فعالیت تعاونی از راه مسئولیت مستقیم خود کارگران است.

سوم: ساختار دستمزدها، مبارزه فابریکی و سراسری

دستمزد و مبارزه بر سر دستمزد همواره و بناگزی یک وجه سراسری و یک وجه محلی را در بر گرفته است. در ساختار جاری دستمزد در ایران دولت همیشه در تلاش بوده است از یک طرف با حربه دستمزدهای محلی یا منطقه ای، هر جا که زورش میرسد، دستمزد کارگران را حتی به زیر سطح مصوبه دستمزد پایه براند، و از طرف دیگر، هر قدر زورش میرسد به بهانه مصوبه "سراسری" از مطالبه افزایش دستمزد واحدهای کلیدی شانه خالی کند.

جنبش دستمزد ایران باید و بناچار در این مورد بنا به مقتضیات روز و بموقع موضع مستقل خود را خواهد گرفت، اما چند نکته محوری را باید مد نظر داشت.

اولا، وجه محلی و فابریکی مبارزه بر سر دستمزدها اهمیت وجه سراسری این مبارزه را کمرنگ نمیکند. دستمزد مصوبه

سراسری مداوما هم از طرف خود دولت و هم از طرف کارفرمای محل مورد تعرض قرار گرفته است، و همواره کارگران میان دولت و کارفرما پاس کاری شده اند.

ثانیا، وجه اصلی دستمزدها همواره با تکیه به تناسب قوای سراسری میان اردوی کار و اردوی سرمایه رقم میخورد. کارگران مراکز کلیدی دارای نقش اساسی هستند، و در صورت امتناع از ایفای نقش، کل طبقه، و خود این بخش بیشترین ضرر را متحمل میگردند.

افق سازمان یابی توده ای و سراسری طبقه کارگر

و در پایان باید به سازمان مبارزاتی کارگری در جنبش دستمزدها پرداخت. نقش محوری و تعیین کننده عامل سازمانی نیازی به توضیح ندارد. یک جنبش قابل اعتنا در عرصه دستمزدها، با کشمکشهای گسترده و در هم بافته سراسری و محلی، روبرو است که همراه خود مبارزه ای در هم بافته محلی و سراسری را دامن میزند. همانقدر که وجود و بازتولید چنین جنبشی منوط به حق اعتصاب و حق تشکل است، همانقدر هم در ذات نهفته است که حق اعتصاب و مشخصا تشکل هم به خود این عرصه گره خورده است. قرار نیست و روز موعودی در کار نیست که در طلوع آن حق اعتصاب اعلام گردد یا تشکلی سراسری با فونکسیونها، با ساختار و چارت سازمانی آماده اعلام وجود کند. مبارزه واقعی فعالین خود را بمیدان میاورد، و با هر درجه پیشروی نیاز به تشکل را دامن میزند.

گره اصلی نوشته بر آن استوار است که مشخصات کشمکش بر سر دستمزدها در ایران، زمینه های عینی این عرصه، ابعاد جاری مبارزه بر سر دستمزدها چشم انداز و ماتریال لازم برای بهم بافتگی و شبکه های مبارزاتی فعالین و بلاخره اشکال سازمان یافته تر از همکاری و تقسیم کار را با خود همراه دارد. این تمایل و حتی این اراده صرف کارگران نیست که محرک تشکل یابی آنها است. بر عکس، این مبارزه و فعالیت مبارزاتی است که اشتها و نیاز و انگیزه سازمانی پیچیده تر را شکل میدهد و خود را تحمیل میکند.



جریاناتی که سطح مورد ادعای بیانیه سندیکای هفت تپه را غیر واقع بینانه، خیالی و به این معنا، باطل و فاقد ارزش مبارزاتی قلمداد کرده اند! این شاخص نمیتواند دلسوزانه تا چه رسد راهگشا فرض شود. هیچ جنبشی از بلند پروازی خود شکست نخورده است، هیچ مبارزه ای بخاطر سربازان سرکش خود در جا نزده است. اما چهل سال است "واقع بینی" کوتاه نظرانه جنبش کارگری را در قربانگاه بورژوازی هار ایران با تباهی همدم کرده است. دیگر بس است.

هفت تپه برای جنبش کارگری ایران مظهر سعادت است. همه راه ها و از جمله راه جنبش سراسری برای دستمزدها نیز، بنظر میرسد از شوش و هفت تپه آغاز میشود....

به نقل از شماره ۲۴۸ نشریه کمونیست



بحث در مورد سندیکا یا شورا و یا شکل سازمانی نامربوط است. سندیکا به معنای متداول در ایران با تمام نمونه های کتابی و تاریخی متفاوت است، الگوی واحدی میان سندیکاها قابل تشخیص نیست. بنا به خصوصیات اتورپته ها و تمایلات سیاسی کارکرد سندیکاها فرق نشان میدهد. در مورد شوراها همین وضعیت صدق میکند. هیچ کس نمیداند شرایط کار در یک سندیکا با چهارصد نفر عضو در امتداد چند محله و کارخانه چگونه از آب در خواهد آمد و بسیاری فاکتورهای دیگر که در عمل آسان تر قابل حل است.

همه راهها از شوش و هفت تپه آغاز میشود...

طبقه کارگر در پذیرش نبرد دستمزد، و پذیرش همه نبرد، مخیر نیست، اما آنچه زمین را زیر پای طبقه کارگر گرم میکند اینستکه دالانهای این نبرد را خوب میشناسد، گرگ باران دیده این نبرد است، و مهمتر اینکه چیزی برای از دست دادن ندارد، در عوض نفس بقاء فیزیکی و تمام موجودیت اجتماعی و مجال ابراز وجود مبارزاتی کارگران در جامعه در گرو پیروزی، و بی برو برگرد، دنیایی برای فتح، در گرو پیروزی کامل در این نبرد است.

امسال نیز با همان روال هر ساله بیانیه تشکل های کارگری با این ارزیابی مواجه شد که: چقدر واقع بینانه است؟ کم نیستند کسان و

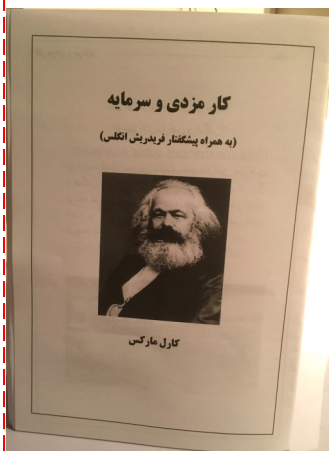
منتشر شد: جزوه کار مزدی و سرمایه

متن این ترجمه به نقل از سایت "آرشیو عمومی آثار مارکس و انگلس" (<http://marxengels.public-archive.net>)

تهیه شده است. در این سایت مجموعه آثار مارکس و انگلس به زبان انگلیسی و ترجمه تعدادی از این نوشته ها بزبان های فارسی و عربی منتشر شده است. به علاوه فایل صوتی قرائت فارسی متن ترجمه شده جزوه "کارمزدی و سرمایه" نیز در دسترس علاقمندان قرار دارد.

سیوان رضایی
علیه بیکاری

دانلود: <http://a-bikari.com/2pdf/Ketab-karMozdi-Marx.pdf>



نشریه علیه بیکاری

مدیر مسئول: سیوان رضایی

سر دبیر: مصطفی اسدپور

تماس: آدرس ایمیل

info@a-bikari.com

مقالات این شماره توسط مصطفی اسدپور نوشته شده است. استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

